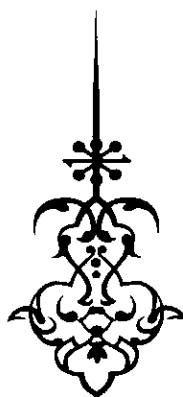


دیوان اشعار الہی محصل

نویسنده: احمد الہی محصل
(مخلص بہ اللہ)



سرشناسه : الہی محصل، احمد، ۱۳۰۵
عنوان و نام پدیدآور : دیوان اشعار الہی محصل (مختلص بہ الہی) / نویسنده احمد الہی محصل
مشخصات نشر : شیراز، ادیب مصطفوی، ۱۳۹۲
مشخصات ظاہری : ۳۹۲ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۲-۹۹-۹
وضاحت فہرست نویسی : فیفا
موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴
ردہ بندی کنگرہ : PIR ۸۳۳۴/۱۹۴۹۱۳۹۲
ردہ بندی دیوی : ۸ فا ۱/۶۲
شمارہ کتابشناسی : ۳۳۶۶



انتشارات ادیب مصطفوی

دیوان اشعار الہی محصل

سراینده: احمد الہی محصل (مختلص بہ الہی)

انتشارات ادیب مصطفوی

طرح جلد و صفحہ آرایہ: شیراز اسکنر / ہدیہ

تذہیب : پریسا دھقانی

لیتوگرافی: شیراز اسکنر ۶۲۸۷۷۸۱

چاپ و صحافی: چاپخانہ مصطفوی ۲۳۰۱۹۶۸

نوبت چاپ اول: مرداد ۱۳۹۳

شمارگان: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۲-۹۹-۹

حق چاپ محفوظ است.



۷	مقدمه
۹	مجموعه قصاید
۱۲۹	مجموعه رباعیات
۱۹۵	مجموعه اشعار گوناگون
۲۶۷	اشعار نو
۳۱۱	رساله صد پند
۳۵۳	مطایبات انتقادی
۳۶۳	
۳۸۵	



مقدمه

« الحمد لله الذی خلق الانسان و علمه البیان و الصلاة و السلام علی خیر خلقه ، محمد و آله الطیبین الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا... »

اما بعد :

چنین گفتم حقیر فقیر الی الله ، احمد الهی محصل ، که پدر من مرحوم شیخ عبدالحسین الهی محصل رحمه الله علیه ، از علما و دانشمندان شیراز بود و در عنفوان جوانی از مدرسین حوزه علمیه شیراز و از روحانیون بنام شهر بود ؛ و علاوه بر اینکه جلسات درس با طلاب شیراز که هر کدام بعدا « دانشمندی بنام شدند ، داشت ، در مدارس دوازده ساله هم تدریس می نمود . او مردی بسیار زاهد و پرهیزگار بود و بیشتر وقت خود را به عبادت می گذراند و پس از فساد زمان سلطنت پهلوی رنج فراوان می برد ، بتدریج گوشه گیری کرد و در اثر ضعف جسمانی بهر شهر شیراز در سال ۱۳۱۷ شمسی ، در سن سی سالگی ، به مرض حصبه دار فانی را وداع کرد ؛ خدایش بیامرزد و رحمت در انشاء الله .

من که در سال ۱۳۰۵ شمسی بدو آمدم ، در همان وفات پدرم ، دوازده ساله بودم و در مدرسه ابتدائی تحصیل می نمودم . قبلا « مقدمات عربی » پدرم آموختم ولی مرگ زودرس او مانع استفادۀ بیشتر من از محضر او شد .

پس از خاتمه تحصیلات ابتدائی ، به تحصیل در درس متوسطه در دبیرستانهای فرصت آنزمان که جزء دانش سرای مقدماتی بود و دبیرستان شاپور که بعدها به دبیرستان خاتم شد ، مشغول شدم اما در ضمن تحصیل علوم جدید در مدارس قدیمی هم مانند مدرسه « آباباکی » « مدرس » « خان » شیراز که تحت نظر مرحوم آیت الله شیرازی حاج سید نور الدین رحمه الله علیه اداره می شد و به توفیق فراوان داشت و آن مرحوم در رواج آن زحمت بسیار می کشید ، در آنجا علوم قدیم را مانند صرف و نحو منطق و فقه و اصول و هم چنین شرح منظومه و تفسیر را فرا گرفتم .

در خلال این ایام ، در سال ۱۳۲۴ ، برای تدریس در مدارس شیراز ، استخدام شدم و به شهرهای دیگر مانند آباده ، اصطهبانات و سروستان و ارسنجان برای تدریس ، اعزام شدم ولی در ضمن فعالیتهای اجتماعی ، همچنان به تحصیل علوم جدید و قدیم می پرداختم و چون به فلسفه و عرفان ، علاقه شدید داشتم ، به مطالعه و تحصیل فلسفه های مشاء و اشراق و کتب فلسفی بوعلی و شیخ اشراق و ملاصدرا شیرازی و کتب فلسفی اروپائی و مبانی و اصول عرفان و عقاید متصوفه پرداختم و از انقباس قدسیه علمای زمان و عرفای عصر خود - رحمه الله علیهم اجمعین - بهره بردم .

در سال ۱۳۳۷، به دریافت لیسانس از دانشگاه شیراز موفق شدم و از آن زمان تا سال ۱۳۵۵، به تدریس در دبیرستانهای شیراز، مشغول بودم و دروس عربی، فقه، قرآن و ادبیات فارسی و زبان انگلیسی را درس می‌دادم و در خلال این مدت، یک لحظه از مطالعه کتب علمی و ادبی و فقهی و فلسفی، غافل نبودم تا در سال ۱۳۵۵ که بازنشته شدم.

چون علاقه زیادی به تفسیر قرآن کریم داشتم، تفاسیر مهمی را مانند مجمع البیان و المیزان و ابوالفتوح و کشاف و چند تفسیر دیگر را با هم تطبیق نمودم و مطالب مهم و غیر مکرر آنها را در حاشیه مجمع البیان خود ثبت کردم بطوریکه این کتاب به صورت یک تفسیر جامع از تمام تفاسیر بیرون آمد؛ شاید یکی بدین‌باب رسد انشاءالله.

دیگر اینکه، مطالب بدیع و جالب در زمینه های مختلف از بیش از هزار کتاب قدیم و جدید، در جزواتی جمع بود که اما درم برای همه مفید باشد. کتابی هم در صرف و نحو از کلیه کتب صرف و نحوی مدارس حوزة علمیه نوشته که جامع همه آنهاست که متأسفانه به چاپ آنهم موفق نشدم. از همان اوان جوانی بر قافیه بیکاری، گاهی بر حسب تفنن اشعاری می سرودم و چون از شهرت شاعری راضی نبودم، آنها را منتشر نکردم.

از سال ۱۳۵۵ شمسی، بازنشته شدم و دوران بازنشتگی من، مصادف با انقلاب جمهوری اسلامی بود و من وقت و فرصت بسیار داشتم لذا برای جمع بیکاری به جمع آوری نوشته های پراکنده خود پرداختم و تصمیم گرفتم اشعار خود را در جزوه ای گردآورم. الاسف، بسیاری از آنها و خصوصاً اشعار گفته شده، چون روی پاره کاغذهای مختلف بود و در انتقال و نقل و بی توجهی ها از میان رفته بود و نتوانستم آنها را پیدا کنم، آنچه را که بدست آمد، در جزوه جداگانه جمع کردم که یکی شامل قصائد و مثنوی عقل و عشق بود و دیگری مجموعه ای از غزلیات و مثنویات و اشعار انتقادی و اجتماعی و مقطعات بود و این هردو جزوه احتیاج به تصحیح و تنظیم مجدد دارد.

قصائد مجموعه اول در ستایش خداوند و رسول اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام و در پند و اندرز و انتقاد از اوضاع زمان قبل از انقلاب است و مدایح و مناقب و نصایح آن کلا «تکلیف به آیات قرآن و احادیث نبوی و متون ادعیه با رعایت جنبه های عرفانی سروده شده و لذا احتیاج به زیر نظر استاد دارد که امیدوارم انشاءالله به انجام آن موفق شوم. غزلیات و رباعیات هم اکثراً بر مبنای اصول عرفانی و فلسفی است که خود سالها در این راه ریاضت کشیدم تا در سیر الی الله و تهذیب نفس و تنویر روح بتوانم رضایت خداوند متعال را جلب کرده و تقوی و ایمانم را در سایه لطف و رحمتش حفظ نمایم انشاءالله تعالی.

از خداوند متعال فرصت ادامه کار و توفیق عبادت و اطاعت را مسئلت کرده و از پیشگاه با عظمتش، عفو و مغفرت از گناهان خود را خواستارم «بمنه و کرمه».